

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۲۴ نومبر ۲۰۲۲



محمد محق

اولو الامر کیست؟ و معیار اطاعت از او چیست؟

پایه مشروعیت نظام‌ها در جهان جدید رأی و خواست مردم است و نظامی که از طریق رأی مردمی روی کار آمده باشد دارای حق مشروع برای استفاده از قوه قهریه در جهت اجرای قانون است. طالبان و گروه‌های بنیادگرای مشابه آنان به رأی و خواست مردم باور ندارند و اطاعت از سلطه خود را جنبه دینی می‌دهند. آنان برای اجبار مردم بر فرمان‌بری و تسلیم‌پذیری به آیت ۵۹ سوره نساء استناد می‌کنند که گفته است: "خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را". هدف شان از پیوند زدن این موضوع به تعالیم دینی این است که مردم در برابر امری اعتقادی و ایمانی قرار بگیرند و جایی برای چون و چرا پیدا نکنند. بسیاری از مسلمانان عادی که تخصصی در امور دینی ندارند در این مورد سر در گم می‌مانند، زیرا نه می‌توانند آموزه‌های دینی را نادیده بگیرند و نه می‌توانند به مشروعیت حاکمیتی استبدادی باور داشته باشند.

آیا اطاعت از هر کسی که خود را اولو الامر نامید فریضه شرعی است؟ برای دانستن این‌که اولو الامر کیست باید دید مفسران قرآن از آن متن دینی چه فهمیده‌اند. قرطبی در تفسیر خود گفته است: "عکرمه می‌گوید مراد از اولو الامر ابوبکر و عمراند. مجاهد می‌گوید مراد از آن صحابه‌اند. اهل تشیع گفته‌اند علی و اهل بیتند. جابر گفته است اهل قرآنند. ابن کبیر می‌گوید صاحبان خرد و رأی‌اند." همچنان ابن کثیر در تفسیر خود گفته است: "ابن عباس گفته است مراد از آن افراد قابل اعتماد و دیندارند." محمد عبده در تفسیر المنار گفته است: "آنان فرماندهان، قاضیان، دانشمندان، بزرگان سپاه و شخصیت‌های متنفذی‌اند که مردم برای مشکلات و مسایل عمومی به ایشان مراجعه می‌کنند." بنا بر این همه کسانی که در زمینه‌ای صاحب نظر و صاحب صلاحیتند، تصمیم‌های شان در چارچوب قانون معتبر است و آنان بخشی از اولو الامر به شمار می‌روند. این اطاعت جنبه تبعیدی ندارد و صرفاً برای سامان‌دهی به امور همگانی است.

چنان که دیده شد کلمه "اولو الامر" در اصل به معنای اهل کار است، یعنی کسی که به لحاظ تخصص یا به اساس مکانیسمی قانونی به کاری گماشته شده و در آن زمینه صاحب صلاحیت به حساب می‌رود. این کلمه بسیار عام است و

مصادیق بسیار زیادی دارد، از حاکم منتخب مردم، تا وزیر گماشته شده از سوی وی، تا رئیسان و مدیران انتخاب شده از سوی وزیران، تا فرماندهان لشکر، تا نهادهای دیگری که در عرصه عمومی دارای صلاحیت و مسؤلیت اند. در واقع این کلمه بر شخص به خصوصی دلالت ندارد، بلکه معنای این آیت این است که کارها باید به اهل آن سپرده شود و در زمینه‌ای که اهل آن تصمیم می‌گیرند باید به تصمیم شان احترام نهاده شود، تا زمینه برای آشفته‌گی، هرج و مرج و مشاجره مستمر مساعد نشود.

اگر نظامی بر مبنای رضایت مردم شکل نگرفته باشد حتی اگر نام خود را اسلامی بگذارد مشروعیت پیدا نمی‌کند و اطاعت از آن واجب نیست. قرطبی نظر یکی از عالمان قدیم به نام ابن خویزمنداد را در باره حاکمان زمانش که مسلمان هم بودند و ظاهراً اولو الامر هم بودند نقل می‌کند که گفته است: "حاکمان زمان ما نه اطاعت از آنان رواست و نه همکاری و نه احترام شان." بهتر است حکومت‌ها به جای استفاده ابزاری از دین به خواست مردم تن بدهند و مشروعیت خود را از آن طریق حاصل کنند.

فلسفه پدید آمدن نظام سیاسی و به تعبیر توماس هابز، لویاتان، مبنائی مهم برای فهم دولتمداری در عصر حاضر است.